



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قراءات سبع
موضوع جزئی: موضع علماء امامیه در رابطه با قراءات سبع
تاریخ: ۲۳ فروردین ۱۳۹۰
مصادف با: ۸ جمادی الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۲۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

موضع علماء امامیه در رابطه با قراءات سبع:

بحثی که در رابطه با قراءات سبع باقی مانده این است که ببینیم موضع علماء امامیه در رابطه با قراءات هفت گانه چیست قبل از اینکه به این مطلب بپردازیم مقدمه‌ای را عرض می‌کنیم و بر اساس این مقدمه نتیجه گیری می‌کنیم و ضابطه‌ای که مورد پذیرش مشهور علماء امامیه هست را ذکر می‌کنیم.

مقدمه:

در یک تقسیم بندی کلی قرائت بر دو قسم است:

الف) قرائت صحیح (ب) قرائت شاذ

در تعریف قرائت صحیح اختلاف وجود دارد.

بعضی گفته‌اند: قرائت صحیح قرائتی است که دارای سه خصوصیت و سه ویژگی باشد:

اول: سند قرائت صحیح باشد؛ یعنی قرائت از خود راوی تا یکی از صحابه دارای سند صحیح باشد.

دوم: این قرائت با رسم الخط هر یک از مصحف‌های عثمانی موافق باشد.

سوم: با قواعد ادبی یکی از لغات عرب ولو اینکه آن لغت غیر مشهور باشد موافق باشد.

در مقابل قرائت صحیح قرائت شاذ است، قرائت شاذ عبارت است از: قرائتی که فاقد این شروط است که یا یکی از این شروط را ندارد یا هیچ کدام را ندارد.

خصوصیاتی که برای قرائت صحیح ذکر شده مورد اشکال واقع شده و گفته‌اند: موافقت با قواعد ادبی زبان عرب ولو لغت غیر مشهور نمی‌تواند ملاک صحت قرار بگیرد چون فرض ما این است که قرآن به فصیح‌ترین لغات عرب نازل شده حال با این فرض که قرآن به فصیح‌ترین لغات عرب نازل شده چگونه می‌توانیم بپذیریم که صرف موافقت با لغات عرب ولو غیر مشهور یکی از شرائط صحت باشد لذا ویژگی سوم به این شکل قابل قبول نیست و یا ویژگی دوم که موافقت با رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی به عنوان خصوصیت صحت قرائت ذکر شده مورد پذیرش نیست برای اینکه در خود مصاحف عثمانی اختلافات زیادی از حیث رسم الخط وجود دارد، حال صرف موافقت با یکی از این رسم الخطها بگوئیم دلیل بر صحت قرائت است این قابل قبول نیست اما مسئله اول را که اسناد به سند صحیح تا یکی از صحابه بود ما هم قبول داریم.

به هر حال این دو قسم قرائت؛ یعنی قرائت صحیح و قرائت شاذ آیا ملاک و ضابطه‌ای دارد که ما بتوانیم به اعتبار آن ملاک و ضابطه بگوییم قرائتی صحیح یا شاذ است؟ آنچه که از مجموع کلمات علماء و فقهاء امامیه به دست می‌آید و بعضی از روایات هم موافق با این معنا است این است که قرائتی صحیح است که موافق با قرائت جمهور مسلمین باشد، با قطع نظر از قرائت قراء و موافق با رسم‌الخط همه مصحف‌های موجود در همه قرون و اعصار باشد؛ یعنی آنچه که در بین جمهور مسلمین؛ یعنی فرق و مذاهب مختلف اسلامی در طول قرون و اعصار قرائت شده و دارای رسم‌الخط پذیرفته شده بین جمهور مسلمین است (آنچه که بین عامه مردم رواج دارد) که آن قرائت رایج بین جمهور مسلمین و رسم‌الخطی که موافق با همه رسم‌الخط‌های مصاحف موجود در همه قرون و اعصار است قرائت عاصم است به روایت حفص، امیرالمؤمنین (ع) هم همین قرائت را داشته‌اند.

خصوصیات قرائت صحیح:

حال اگر خواسته باشیم بر اساس آنچه تا الآن گفته‌ایم و اشکالاتی که بر تعریف بعضی از قرائت صحیح وارد کردیم یک جمع بندی بکنیم باید بگوییم قرائت صحیح و مورد قبول قرائتی است که:

اولاً: با مصحف‌های موجود که در همه قرون و اعصار بین مردم رایج است موافق باشد.

ثانیاً: با فصیح‌ترین و مشهورترین اصول و قواعد عربی موافق باشد چون قرآن به فصیح‌ترین لغت عرب نازل شده است.

ثالثاً: با اصول مسلم و ثابت شریعت و احکام قطعی عقلی موافق باشد.

این ضابطه‌ای است که ما می‌توانیم از مجموع کلماتی که در کتب فقهی و غیر فقهی نقل شده و در بین علماء امامیه قبول شده ذکر بکنیم. چند روایت از روایات وارده از اهل بیت مبنی بر تأیید این ضابطه و نظر بعضی از بزرگان علماء را نقل می‌کنیم که مؤید این مسئله هستند.

مؤیدات:

روایت اول:

این است که سالم بن سلمه می‌گوید: شخصی در محضر امام صادق (ع) آیاتی از قرآن را قرائت می‌کرد، به طوری که من شنیدم قرائت او غیر از قرائت دیگر مردم بود، امام (ع) به او فرمودند: از این قرائت خودداری کن و آنگونه که مردم می‌خوانند بخوان. نهی امام صادق (ع) از قرائت غیر رایج بین مردم دلیل بر این است که قرائتی مورد قبول است که بین مردم رایج باشد. ظاهراً این شخص قرآن را به وجوه مختلف قرائت می‌کرده و چون این قرائت‌ها لعب به قرآن بوده لذا امام (ع) او را نهی کردند، ممکن است به نظر برسد آیا در زمانی که این نهی صورت گرفته قرائت‌های مختلف مثل قرائت اهل کوفه، شام، بصره، مکه و مدینه بوده یا نه؟ جواب این است که همان وقت هم قرائتی بین جمهور رایج بوده چون بعد از یکسان سازی مصحف‌ها در زمان عثمان که امیرالمؤمنین هم این کار را تأیید کردند تقریباً آن اختلافاتی که باعث اختلاف بین مسلمین می‌شد از جامعه اسلامی برطرف شد و یک قرائتی

که جمهور مسلمین به آن قرائت بکنند شکل گرفته بود اما در عین حال به معنای از بین رفتن سایر قراءات نبود، تعبیر امام(ع) هم در این روایت این است که همانگونه که مردم می‌خوانند بخوان.

روایت دوم:

از سفیان بن صمد است که می‌گوید: در مورد تنزیل قرآن از امام صادق(ع) سؤالاتی کردم، امام(ع) در بخشی از پاسخ‌هایی که دادند فرمودند: قرآن را همانطور که آموخته‌اید بخوانید، بعد می‌گوید سؤال کردم از نص اصلی که برای اولین بار نازل شده، حضرت فرمودند: نص اصلی همان است که بین مردم رایج است، امام(ع) دو نکته را در این روایت فرمودند اولاً: فرمودند: نص اصلی همان است که بین مردم رایج است، بعد می‌فرمایند: قرآن را همانطوری که آموخته‌اید بخوانید این نشان می‌دهد که به مردم تکلیف می‌کنند که شما باید همانطوری که قرآن را خلفاً عن سلف در بین خودتان رایج است بخوانید و خیلی به این قرائت‌های شاذی که در گوشه و کنار، بعضاً بر اساس اجتهادات و استنباطات بعضی از قراء شکل گرفته توجه نکنید.

روایت سوم:

روایتی است که امام صادق(ع) فرموده‌اند: اگر ابن مسعود قرآن را طبق قرائت ما نمی‌خواند گمراه بود بعد امام(ع) در ادامه فرمودند: ما هم قرآن را طبق قرائت اُبی می‌خوانیم - منظور از اُبی، اُبی بن کعب است که در دوران عثمان در کمیته‌ای که برای یکسان سازی قرآن‌ها تشکیل شده بود مسؤلیت املاء قرآن را بر عهده داشت؛ یعنی هر جا که اختلافی پیش می‌آمد به اُبی مراجعه می‌کردند و هر گونه که او املاء و قرائت می‌کرد می‌نوشتند، البته زید بن ثابت هم بود که مسؤول کمیته یکسان سازی قرآن با زید بن ثابت بود ولی املاء آن با اُبی بن کعب بود - ؛ یعنی ما آنچه را که اُبی بن کعب در زمان یکسان سازی قرآن املاء کرد و بعد هم به تصویب رسید می‌خوانیم و این یعنی التزام به همان چیزی که جمهور مسلمین آن را می‌خوانند. این سه روایت که ذکر شد دلالت روشنی دارد بر تشویق و ترغیب مردم به قرائت رایج بین جمهور مسلمین اعم از فرق و مذاهب و با قطع نظر از قرائت‌های شاذی که در گوشه و کنار وجود داشته است.

در بین فقها از جمله کسانی که به این قرائت(قرائت عاصم به روایت حفص) تمسک کرده علامه حلی است که در کتاب منتهی تصریح می‌کند بهترین قراءات قرائت عاصم است.^۱ بعضی از بزرگان دیگر هم به این جهت عنایت داشته‌اند.

قرائت عاصم به روایت حفص:

در بین قراءات قرآن از جمله معدود قراءاتی که سند صحیح دارد و جمهور مسلمین آن را قرائت می‌کنند قرائت عاصم است به روایت حفص که در طول قرون متمادی بین مسلمین متداول بوده، این قرائت از عاصم است از استاد خودش به نام ابو عبدالرحمن سلمی و ایشان هم از امیرالمؤمنین(ع) اخذ کرده؛ یعنی عاصم این قرائت را با یک واسطه از امیرالمؤمنین(ع) اخذ کرده است، طبیعی است قرائتی که منسوب به امیرالمؤمنین(ع) باشد حتماً قرائتی است که به پیامبر منتسب می‌باشد و نص وحی بوده، عاصم این قرائت را به حفص که شاگرد خودش بوده آموخته و تقریباً در تمامی ادوار این قرائت مورد اعتماد مسلمین بوده است اما اینکه می‌گوییم روایت حفص از عاصم بخاطر این است که دو راوی قرائت عاصم را نقل کرده‌اند: یکی

۱. المنتهی، ج ۱، ص ۲۷۳.

حفص و دیگری ابوبکر بن عیاش، اما علت اینکه حفص رجحان پیدا کرده را اشاره خواهیم کرد اما قبل از این راجع به خود عاصم نکته‌ای را عرض می‌کنیم و آن اینکه چرا قرائت عاصم مشهور شده با اینکه ابوعبدالرحمن سلمی غیر از عاصم شاگردان دیگری هم داشته است؟ وجه اینکه قرائت عاصم مشهور شده این است که عاصم در بین قرّاء بسیار محتاط بوده تا جاییکه نقل می‌کنند عاصم گفته است که هیچ کس جز ابو عبدالرحمن حرفی را از قرآن بر من قرائت نکرد و ابو عبدالرحمن نیز قرائت تمام قرآن را از علی (ع) اخذ کرده بود، در کتاب‌های مختلف صاحبان فن از برتری عاصم در قرائت و توجه و عنایت ویژه به خود عاصم مطالب مختلفی نقل شده؛ مثلاً نقل می‌کنند ابن مجاهد که در اوائل قرن چهارم مسئله قراءات سبعة را ابداع کرد در جلسات قرآنی که داشت تعداد زیادی از متخصصین قرائت عاصم در آن شرکت می‌کردند و ابن مجاهد فقط قرائت عاصم را به آنها تعلیم می‌داد، در بین ائمه چهارگانه اهل سنت احمد بن حنبل قرائت عاصم را به صراحت بر سایر قرائت‌ها ترجیح داده و مردم کوفه هم بواسطه شهرتی که به علم و فضل داشتند قرائت عاصم را پذیرفته بودند؛ یعنی قرائت عاصم در بین همه قراءات جایگاه خاصی داشت تا جاییکه ائمه قراءات تلاش می‌کرده‌اند قرائت خودشان را از نظر سند به عاصم متصل بکنند؛ مثلاً ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ه.ق) می‌گوید: عاصم قرائت خود را از ابو عبدالرحمن سلمی و او هم همه قرائت قرآن را از علی (ع) دریافت کرد بعد می‌گوید فصیح‌ترین قراءات، قرائت عاصم است چون ریشه آن را یاد گرفته است لذا مجموع ملاحظاتی که در مورد عاصم بین قرّاء وجود دارد نشان می‌دهد عاصم از نظر دقت و احتیاط جایگاه ویژه‌ای داشته است تا جاییکه ذهبی از قول عاصم نقل می‌کند که عاصم می‌گوید: من در قرائت هیچ اختلافی با ابو عبد الرحمن سلمی نداشتم و در هیچ موردی با او مخالفت نکردم چون یقین داشتم که او هم در هیچ موردی با قرائت علی (ع) مخالفت نکرده است.^۱ لذا از مجموع مطالبی که راجع به عاصم ذکر شده می‌فهمیم که عاصم شخصی موثق بوده و سند قرائتش هم صحیح می‌باشد.

حفص هم که راوی قرائت عاصم است می‌گوید من در هیچ موردی با قرائت عاصم مخالفت نکرده‌ام؛ یعنی همانطور که عاصم قرائت کرده من هم قرائت کرده‌ام، فقط بعضی یک مورد را نقل کرده‌اند که حفص با عاصم مخالفت کرده که این هم در بعضی از کتاب‌ها مورد اشکال واقع شده و این نسبت را صحیح ندانسته‌اند و آن اینکه در مورد آیه شریفه: «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قَوْهً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قَوْهٍ ضَعْفًا»^۲ گفته‌اند حفص در مورد کلمه «ضَعْف» در این آیه با عاصم مخالفت کرده، عاصم این کلمه را «ضَعْف» به فتح ضاد قرائت کرده اما حفص آن را «ضَعْف» به ضم ضاد قرائت کرده است اما این نسبت محل اشکال است و کلمه «ضَعْف» در تمام قرآن‌ها به فتح ضاد نوشته شده است.

لذا در مجموع با عنایت به بعضی از روایاتی که وارد شده که ارجاع داده‌اند به قرائت جمهور مسلمین و اظهارات بعضی از بزرگان فقهاء شیعه و جمع زیادی از متخصصین علوم قرآن و با ملاحظه آنچه که در بین جمهور مسلمین رایج است می‌توانیم

۱. ذهبی، معرفه القراء الکبار، ج ۱، ص ۷۵.
 ۲. روم / ۵۴.

بگوییم قرائتی که صحیح شمرده می‌شود و مورد قبول است قرائت عاصم است به روایت حفص، این چیزی است که در بین امامیه قابل قبول است.

قرائت در نماز:

مشهور فقهاء فتوا داده‌اند به جواز قرائت به یکی از قراءات سبع؛ یعنی تخییر یکی از قراءات سبع را به عنوان فتوا ذکر کرده‌اند، مرحوم سید در عروه بر جواز قرائت به هر یک از قراءات صحیحه فتوا داده اما در مقام احتیاط می‌گوید: در نماز از این هفت قرائت تجاوز نشود، امام(ره) هم احتیاط کرده‌اند که از قراءات سبع تجاوز نشود، مرحوم آقای خوئی فرموده‌اند: قرائت در نماز به قراءات متداول در عصر ائمه(ع) جایز است؛ یعنی علاوه بر قراءات سبع اگر محرز شد قرائتی از قراءات متداول در عصر ائمه(ع) می‌باشد آن قرائت هم در نماز جایز است. به هر حال با اینکه این ضابطه یک ضابطه کلی است و ما قرائت جمهور مسلمین را پذیرفتیم اما در مقام فتوا، مشهور به جواز قرائت به هر یک از قراءات سبع فتوا داده‌اند ما هم آنچه در نفی ادله حجیت قراءات سبع ذکر کردیم این بود که می‌خواستیم بگوییم قراءات منحصر در این قراءات هفت‌گانه نیست بلکه قراءات دیگری وجود دارد که اصح از این قراءات هفت‌گانه می‌باشند. اما از باب اینکه قرآء سبعه در بین همه قراءات هستند عموماً احتیاط کرده‌اند که از این قراءات هفت‌گانه تجاوز نشود وگرنه در مقام فتوا به قرائت صحیح فتوا داده‌اند گرچه که آن قرائت غیر از قراءات سبع باشد.

«والحمد لله رب العالمین»